

## شناخت‌شناسی کودکان پیش دبستانی درباره عدالت توزیعی

زهرا داورپناه\*

سیامک سامانی\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش تبیین نحوه تصمیم‌گیری کودکان پیش‌دبستانی درباره توزیع منابع می‌باشد. نوع پژوهش کیفی است. نمونه مورد مطالعه ۳۰ کودک مقطع پیش دبستانی (۲۰ دختر و ۱۰ پسر) با میانگین سنی ۶۹/۶ ماه بود که به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساختارمند تنظیم شده توسط محقق شامل تصاویر و داستانک‌ها بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تفسیری استفاده شده است. یافته‌ها و نتایج پژوهش بیانگر این است که دیدگاه کودکان پیش دبستانی درباره عدالت توزیعی یکسان نیست. تصمیمی که کودک در این باره اتخاذ می‌نماید نتیجه برآیند عوامل مختلفی از جمله آموزش، نفع شخصی و ملاک‌ها می‌باشد. ملاک‌های اثرگذار بر تصمیم کودک عبارتند از نیازمندی، ویژگی‌های دریافت‌کنندگان، روابط و کار انجام شده توسط دریافت‌کنندگان. همچنین کودکان در نحوه توزیع اهداف مختلفی از جمله گسترش شادی، گسترش دوستی، رفع نیاز افراد، ایجاد انگیزه و پاداش دهی را دنبال می‌کنند. دیدگاه نظری و عملکرد کودک در این باره در مواردی متفاوت می‌باشد و نفع شخصی از عوامل اثرگذار بر ایجاد این تفاوت است.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، helma290@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)، Siamaksamani1349@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

**کلیدواژه‌ها:** شناخت شناسی، پیش دبستانی، عدالت توزیعی، نفع شخصی، نیازمندی، روابط

## ۱. مقدمه

عدالت (justice) یکی از والاترین آرمان‌های انسان می باشد که حکیمان به آن پرداخته‌اند. عدالت توزیعی (distributive justice) که یکی از انواع عدالت می باشد به معنای توزیع عادلانه منابع (resources) و منافع (benefits) میان افراد جامعه با نیازها و مطالبات گوناگون است (Kaufman, 2012; 842-850). تخصیص عادلانه منابع موضوع مهمی در روانشناسی، جامعه شناسی و فلسفه است (sen, 2008; 331-342) و بعنوان اساس رفتارهای شراکتی و همکاری شناخته میشود (Hus etc, 2008; 1092-1095). آموزش مفاهیم در هر زمینه‌ای به کودکان مستلزم آگاهی یاددهنده (معلم) از نگرش اولیه و دانش کنونی یادگیرنده (دانش‌آموز) درباره آن موضوع میباشد. برخلاف ریاضیات و علوم تجربی، درباره دانش کودکان در زمینه مفاهیمی چون توزیع عادلانه و شراکت با دیگران، اطلاعات اندکی وجود دارد (Jennings, 2019; 1-17) و پژوهش‌های موجود هر یک به وجوهی از این موضوع پرداخته‌اند، لیکن در هیچ‌یک از پژوهش‌ها ابزاری که به کمک آن بتوان به درکی نسبتاً کامل از دیدگاه کودک به گونه‌ای که بتوان آموزش به کودکان در این زمینه را بر اساس آن طراحی و برنامه‌ریزی نمود - دست یافت، معرفی نشده است.

نظریه‌های مختلفی در زمینه ملاک‌های عدالت توزیعی ارائه شده‌اند؛ اما هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ زیادی در این باره وجود دارد (konow, 2001; 137-164). مشهورترین نظریه در این باره در غرب نظریه جان راولز (John Rawls)، فیلسوف آمریکایی است که از مکتب لیبرالیسم (liberalism)، برخاسته بود؛ وی معتقد به توزیع برابر همه امکانات اولیه بخصوص آزادی‌های اساسی بود و نابرابری‌های توزیعی را به دو شرط مورد پذیرش می‌دانست: دریافت به میزان تلاش و توزیع به نفع پایین‌ترین طبقات. در نظریه اسلامی که شهید مطهری درباره نظام توزیع مطرح نموده‌اند سه مرحله بیان شده است: توزیع برابر امکانات اولیه، توزیع متناسب با استحقاق افراد و بازتوزیع دارایی‌ها به منظور ایجاد توازن اجتماعی (قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۶۳).

از دهه ۱۹۷۰ تا کنون پژوهش‌های متعددی پیرامون ادراک کودکان از عدالت توزیعی صورت گرفته است که در اینجا به پاره‌ای از آن‌ها که ارتباط بیشتری با پژوهش حاضر دارند

با رعایت ترتیب زمانی، از جدیدترین پژوهش‌ها تا نخستین موارد، به منظور استخراج ملاک‌هایی که در ادبیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در تنظیم مصاحبه مدنظر قرار داده شده‌اند، اشاره می‌شود.

جی یانگ نو و میلانی کیلن در پژوهشی در سال ۲۰۱۹ به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که کودکان در تخصیص منابع بر اساس شایستگی به تلاش بیشتر اهمیت می‌دهند یا به نتیجه؟ جی یانگ نو و میلانی کیلن در تشریح نتایج این پژوهش بیان می‌نمایند که کودکان در تخصیص منابع به کار و تلاش بیشتر نسبت به نتیجه، اهمیت بیشتری می‌دهند و هر چه سن کودک بیشتر باشد تأکید بیشتری بر تلاش مشاهده می‌شود (Young, Killen, 2019:1-14).

یینگ وانگ و آنت هندرسون در سال ۲۰۱۸ پژوهشی با عنوان پاداش منصفانه انجام داده‌اند که در آن با انجام آزمایشی واکنش کودکان به نحوه توزیع منابع مورد بررسی قرار داده شده‌است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این است که کودکان ۱۷ ماهه در توزیع منابع، در کنار تأکید بر تساوی، کار بیشتر را در نظر می‌گیرند؛ به گونه‌ای که انتظار دارند کسی که کار بیشتری انجام داده‌است پاداش بیشتری دریافت نماید (Wang, Henderson, 2018:25-40).

در سال ۲۰۱۶ مارکو اسمیت و میکائیل توماسلو پژوهشی درباره تحول درک کودکان از دلایل موجه برای تخصیص نامساوی منابع انجام داده‌اند. در این پژوهش به مقایسه درک کودکان ۳،۵ و ۸ ساله از دلایل تقسیم نامساوی اما عادلانه با توجه به نیاز و درخواست پرداخته شده‌است. در زمینه درخواست فرد برای دریافت بیشتر، دلایل موجهی مانند نیاز و توافق و این دلیل ناموجه که صرفاً چون بیشتر می‌خواهم، مطرح شده‌است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تأکید کودکان بر تساوی با بالا رفتن سن، کم‌رنگ‌تر می‌شود و رفته‌رفته کودکان عواملی چون نیاز و درخواست دریافت بیشتر به دلایل موجه را مدنظر قرار می‌دهند (Schmidt, Tomasello, 2016:42-52).

آماندا ویلیام و کریس مور در یک مطالعه طولی که نتایج آن را در سال ۲۰۱۶ منتشر نمودند، بیزاری کودکان ۴،۵ و ۵ ساله از توزیع نامساوی، زمانی که سودی عایدشان می‌شود و زمانی که سودی برای شخص خودشان ندارد، را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تصمیم‌گیری کودکان در موقعیتی که سود می‌کنند با وقتی که سودی نمی‌برند متفاوت است و تصمیم‌گیری در این رابطه با افزایش سن در هر کودک

تغییراتی می‌کند اما این تغییر در کودکان روند ثابت و مشخصی ندارد (Williams, Moore, 2016:294-306).

هانس رکوکزی و کارولین لوس پیرامون درک کودکان از لزوم توزیع مساوی منابع، پژوهشی را در سال ۲۰۱۶، انجام داده‌اند. کودکان ۳ و ۵ ساله دو توزیع مساوی و نامساوی میان دو نفر را مشاهده نموده‌اند. یک بار خود کودک جزء دریافت کنندگان بوده‌است و یک بار نبوده‌است. در هر دو مورد کودکان با توزیع نامساوی مخالف بوده‌اند (Rakoczy, lohse, 2016: 396-403).

جینگ لو و چانگ در پژوهشی در سال ۲۰۱۶ سه تکلیف اختصاص منابع را به کودکان داده‌اند که برای بررسی ترجیح یا عدم ترجیح خانواده در نحوه توزیع بوده‌است. در کودکان ۵ و ۶ ساله نسبت به کودکان ۳ و ۴ ساله ترجیح خانواده بر دیگران و تخصیص منابع بیشتر به خانواده بیشتر دیده شده‌است (Jing Lu, Chang, 2016:194-206).

پاول بلوم در یکی از کتابهایش (Just Babies) ضمن بیان پاره‌ای از تحقیقات صورت گرفته در زمینه عدالت خواهی کودکان بیان می‌دارد که این تحقیقات این اندیشه را که انسان‌ها با یک درک اولیه از عدالت مبنی بر توزیع به صورت مساوی به دنیا می‌آیند تقویت می‌کند (Bloom, 2013: 59-100).

نورا فردریکسون و الیزابت سیموندز برای بررسی اثرگذاری روابط و نیازها بر تصمیم‌گیری کودکان در زمینه توزیع عادلانه، پژوهشی را در سال ۲۰۰۸ بر روی ۱۴۲ کودک ۸ تا ۱۱ ساله انجام داده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که حساسیت کودکان به روابط و ترجیح دوستان صمیمی و نیز توجه به نیاز افراد با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد (Frederickson, Simmonds, 2008:1056-1073).

کارول سیگلمن و کارا ویتزمن در پژوهشی در سال ۱۹۹۱ از کودکان ۵،۹ و ۱۳ ساله خواسته‌اند که منابع را تقسیم نمایند؛ سپس نظر آن‌ها را در مورد عادلانه یا غیرعادلانه بودن تخصیص منابع در شرایط مختلف پرسیده‌اند. در این پژوهش که تکیه آن بر توجه کودکان به تساوی و نیاز افراد بوده‌است، نتایج نشان داده‌است که کودکان کم‌سن‌تر به موقعیت و شرایط توجهی نمی‌کنند و بر تساوی تأکید می‌ورزند؛ اما کودکان بزرگ‌تر تصمیم درباره چگونگی توزیع نمودن منابع را بر اساس شرایط اتخاذ می‌کنند (Sigelman, Waitzman, 1991:1367-1378).

ویلیام دامون در طول چند سال، پژوهش‌هایی را پیرامون دیدگاه کودکان در زمینه عدالت انجام داده است. وی مصاحبه‌هایی با کودکان ۶ تا ۱۲ ساله داشته است که در آن‌ها به بیان داستان‌هایی می‌پرداخته است. پس از ۷ سال مصاحبه با کودکان ویلیام دامون سطوح درک عدالت در کودکان را در ۶ سطح توصیف می‌نماید: سطح A-0 (۴ساله) که بر اساس تمایل شخصی تصمیم می‌گیرد، سطح B-0 (۴-۵ ساله) که انتخاب بر اساس تمایل شخصی است اما با این وجود با ویژگی‌های جسمی افراد توجیه می‌شود، سطح A-1 (۵ تا ۷ساله) که تأکید بر تساوی دریافت‌ها را شامل می‌شود، سطح B-1 (۶-۹ ساله) که پرداخت‌ها بر اساس شایستگی و سزاواری (کار انجام شده) صورت می‌گیرد، سطح A-2 (۷-۱۰ ساله) که به نسبی بودن اخلاق منجر می‌شود و اینکه افراد می‌توانند توجیه‌های متفاوتی برای عدالت داشته باشند و همه معتبر باشد، سطح B-2 (۸-۱۲ ساله) که در این سطح ضمن اینکه به هر کس باید حقش پرداخت شود (که این لزوماً به معنای تساوی نیست) دیدگاه افراد و نیاها در موقعیت‌های ویژه لحاظ می‌شود (Lerner, Lerner, 1981: 57-72).

با وجود اینکه بیش از ۴۰ سال از مطرح‌شدن این موضوع در روانشناسی می‌گذرد، هنوز ابهامات زیادی در این باره وجود دارد و نیازمند پژوهش‌های بیشتری است.

فارغ از صحیح بودن یا نبودن هر یک از معیارهای عدالت توزیعی کودکان در این باره چه می‌اندیشند؟ آیا کودکان در نحوه توزیع ملاک‌هایی را لحاظ می‌کنند؟ آیا کودکان به نیاز، جنسیت، ویژگی‌ها و کار انجام‌شده توسط افراد در نحوه توزیع منابع توجه می‌کنند؟

اثرگذاری تغییر نوع توزیع شدنی، اثرگذاری نیازهای مختلف و فاصله دیدگاه نظری و عملکرد کودک را می‌توان از وجوه نوآوری پژوهش حاضر دانست؛ ضمن اینکه در ایران پژوهشی در این باره یافت نشد.

هدف از انجام این پژوهش ساخت ابزاری که بتوان از آن جهت درک دیدگاه کودکان درباره عدالت توزیعی و نحوه تخصیص منابع استفاده نمود از یک سو و به‌کارگیری آن ابزار در نمونه‌ای از کودکان جهت دستیابی به دیدگاه آنان از سوی دیگر می‌باشد.

## ۲. روش‌شناسی و ابزار

### ۱.۲ نوع پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری انجام شده است. دلیل انتخاب شیوه کیفی، انعطاف‌پذیری شیوه کیفی، امکان درک عمیق‌تر و مشاهده رفتار در وضعیت طبیعی در بخشی از پژوهش می‌باشد (دلاور، ۱۳۹۴: ۲۶۱). در کنار بهره‌گیری از مزایای شیوه کیفی، از آمار توصیفی، شمارش و درصدگیری نیز بهره‌گرفته شده است.

### ۲.۲ جامعه و نمونه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، کودکان مقطع پیش دبستانی در مهدکودک‌ها و مدرسه‌ها می‌باشند. نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع در دسترس بوده است. دلیل انتخاب این شیوه نمونه‌گیری این بوده است که برای پژوهش با کودک، پژوهشگر بایستی هماهنگی زیادی با مراقبین کودک داشته باشد به گونه‌ای که خانواده یا مدرسه یا مهدکودک از محتوای مصاحبه مطلع باشند و رضایت خود را از انجام مصاحبه اعلام نمایند و ضمن اعتماد به محتوای پژوهش و شخص پژوهشگر همکاری لازم را برای انجام مصاحبه داشته باشند. لذا پس از مراجعه به مراکز مختلف در نهایت نمونه‌ها از چهار مرکز پیش دبستانی انتخاب شده‌اند که از لحاظ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب و مرکز شهر شیراز و از لحاظ اقتصادی طیف ۲های مختلف اقتصادی را دربرمی‌گیرد؛ علاوه‌بر آن در هر آموزشگاه به تشخیص مربی، کودکان با استعدادتر، متوسط و ضعیف‌تر مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. حجم نمونه ۳۰ نفر شامل ۲۰ دختر و ۱۰ پسر و حداقل سن کودکان مورد مصاحبه قرار گرفته ۶۴ ماه (۵ سال و ۴ ماه) و حداکثر آن ۷۳ ماه (۶ سال و ۳ ماه) و میانگین سنی کودکان ۶۹/۶ ماه بوده است.

### ۳.۲ ابزار

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه می‌باشد. مصاحبه مورد استفاده از نوع نیمه‌سازمان‌یافته است؛ به گونه‌ای که عناوینی که مورد سوال قرار می‌گیرند نسبتاً مشخص هستند ولی جزئیات مصاحبه، شیوه بیان پرسش‌ها و ترتیب آن‌ها توسط فرایند مصاحبه تعیین می‌شود (دلاور، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۵۸). این انعطاف‌پذیری پرسش‌ها و تغییر آن‌ها، جهت

کسب اطلاعات بیشتر در طول مصاحبه است (منادی، ۱۳۸۵: ۸۰-۹۳)، علاوه بر کسب اطلاعات بیشتر، با توجه به اینکه جامعه مورد مطالعه کودکان می‌باشند، انعطاف‌پذیری سوالات و امکان ایجاد تغییر در آن‌ها با توجه به درک و توانایی کودک ضروری است.

جهت تنظیم مصاحبه، ملاک‌های عدالت توزیعی در نظریه جان راولز و شهید مطهری که در مقدمه به آن‌ها اشاره شد (تاکید اولیه بر تساوی، توزیع بر اساس کار بیشتر و نیازمندی و بازتوزیع دارایی‌ها به نفع نیازمندان) و نیز ملاک‌هایی که در پیشینه موضوع مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (تساوی در شرایط یکسان، کار انجام شده، نیازمندی، روابط و نفع شخصی)، استخراج و مواردی چون تغییر نوع توزیع شدنی و تفکیک نیازهای مختلف به آن‌ها افزوده شد؛ سپس به کمک یک نفر طراح، نقاشی‌هایی متناسب با آن‌ها تهیه شد که پس از بازنگری توسط سه تن از اساتید - که دو نفر از آن‌ها اساتید رشته‌ی روانشناسی عمومی و یک نفر از اساتید رشته‌ی روانشناسی تربیتی و هر سه از پژوهشگران و مشاوران حوزه‌ی کودک بودند - تعدادی از آن‌ها اصلاح و تعدادی کنار گذاشته شد. تصاویر و پرسش‌های مطرح شده در فرایند مصاحبه بدین شرح است:

تصویر دو دختر یا دو پسر که در تصاویر شماره ۱ و ۲ آمده است به کودک نشان داده می‌شود و به کودک توضیح داده می‌شود که یک شکلات در اختیار داریم. سپس از کودک پرسیده می‌شود: به نظرت به کدام کودک بدهیم؟ سپس از کودک می‌پرسیم اگر دو تا داشته باشیم چطور؟ در مورد شکلات چگونه توزیع را انجام دهیم؟

تأثیر یا عدم تأثیر جنسیت دریافت کنندگان، در نحوه تصمیم‌گیری کودک درباره چگونه توزیع نمودن، به کمک تصویر شماره ۳ بررسی می‌شود. منابعی که به عنوان توزیع شدنی در پرسش‌های مرتبط با این تصویر مطرح می‌شوند، تعداد زوج و فردی از شکلات، روسری، عروسک و ماشین اسباب بازی است.

تصویر شماره ۴ جهت بررسی تأثیر کار فکری انجام شده بر نحوه توزیع منابع توسط کودکان می‌باشد. در این تصویر دو کودک دیده می‌شوند که مشغول حل مسئله یا انجام یک تکلیف درسی در کتاب هستند. یکی از آن‌ها خوب فکر می‌کند و مسائل را حل می‌کند اما کودک دیگر حل نمی‌کند شکلات و برچسب ستاره‌ای توزیع شدنی‌هایی هستند که کودکان در مورد نحوه توزیع آن بین این دو نفر تصمیم می‌گیرند.

تصویر شماره ۵، نمادی از کار جسمی است. دو کودک ترسیم شده‌اند که یکی اتاقش را مرتب نموده اما دیگری نه. نحوه توزیع یک، دو و سه ستاره یا شکلات میان این دو نفر پرسشی است که پاسخ کودک به آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تصویر شماره ۶ جهت بررسی نیازمندی استفاده می‌شود. کودکی با کفش‌های پاره و یک کودک دیگر با کفش‌های سالم در تصویر نمایش داده شده‌اند. کفش، غذا و اسباب بازی توزیع شدنی‌هایی هستند که درباره نحوه توزیع آن‌ها از کودک سوال می‌شود.

اثرگذار بودن یا نبودن نیاز به غذا در نحوه توزیع توسط کودک، موضوعی است که با کمک تصویر شماره ۷ بررسی می‌شود. منابع، ظرف غذا و اسباب بازی است.

پرسش‌های مرتبط با تصویر شماره ۸ بدین شرح است: یک عروسک را به کدام کودک بدهیم؟ اگر دو عروسک داشتیم چه کنیم؟ با داشتن ۳ عروسک چه باید کرد؟ ۴ عروسک را چگونه توزیع نماییم؟ دلیل اینکه تعداد مختلفی از عروسک‌ها در پرسش‌ها مطرح می‌شود، این است که آیا با افزایش تعداد توزیع شدنی تغییری در تصمیم‌گیری ایجاد می‌شود؟ در صورتی که کودک ترجیح می‌دهد توزیع در جهت رفع نیاز باشد، آیا این ترجیح با رسیدن به تساوی متوقف می‌شود یا پیش از آن یا اینکه بعد از رسیدن به تساوی نیز همچنان کودک تخصیص منابع به همان فرد را ادامه می‌دهد؟ آیا لازم است کودکی که ۳ عروسک دارد به کودکی که عروسک ندارد از عروسک‌های خودش بدهد؟ اگر بله، چند تا را به کودکی که عروسک ندارد بدهد و چند تا را برای خودش نگه دارد؟ اینکه کودکی که ۳ عروسک دارد از عروسک‌های خودش به کودکی که عروسک ندارد بدهد بهتر است یا اینکه ما عروسک دیگری بیاوریم و به کودکی که عروسک ندارد بدهیم؟

تصاویر شماره ۹ و ۱۰ به بررسی اثرگذاری روابط بر تخصیص منابع می‌پردازد. یکی از دو تصویر شماره ۹ و ۱۰ برای بررسی اثرگذاری دوستی با پرسش از اینکه اگر یکی از دو کودکی که با هم هستند شکلاتی داشته باشد آن را به چه کسی اختصاص دهد، استفاده می‌شود.

شرح تصاویر ۱۱ و ۱۲ بدین صورت است: مربی از کودکان خواسته است تا بازگشت او به کلاس قفسه کتاب‌ها را مرتب نمایند. دقایقی بعد مربی با ظرف پر از درازه شکلاتی به کلاس بازمی‌گردد. مربی می‌خواهد درازه‌ها را بین کودکان تقسیم نماید. از این ۴ کودک یکی از همه بزرگتر است دیگری از همه بیشتر در مرتب کردن کمک نموده، کودک سوم کودک نیازمندی است که هیچ خوراکی به همراه ندارد و کودک چهارم گفته است: "به من



بیشتر بدهید." سپس از کودک پرسیده می‌شود که به ترتیب به کدام کودک بیشتر داده شود؟ چنانچه کودک قادر به فکر کردن و پاسخ گویی نباشد، پرسش به صورت دو تا دو تا انجام می‌شود؛ مثلاً پرسیده می‌شود مربی به کودکی بیشتر بدهد که بیشتر خواسته است یا کودکی که بیشتر کمک کرده است؟

پس از پایان یافتن پرسش‌های مطرح شده، داستانی برای کودکان مطرح می‌شود: معلمی شعری را برای کودکان خوانده است و از کودکان خواسته است تا شعر را برای جشنی که قرار بوده در مدرسه برگزار شود حفظ کنند. یکی از کودکان تلاش بسیاری می‌کند و در خانه بارها و بارها شعر را تکرار و تمرین می‌کند. کودک دیگری وقتی به خانه برمی‌گردد بازی می‌کند و تلویزیون تماشا می‌کند. فردای آن روز وقتی به مدرسه می‌آیند کودکی که تلاش و تمرین بسیاری نموده بود، نتوانست شعر را به خوبی بخواند؛ اما کودک دیگر که به بازی و تماشای تلویزیون پرداخته بود شعر را به خوبی خواند. سپس از کودک پرسیده می‌شود به نظرت معلم باید به کدام کودک ستاره بدهد؟ کودکی که تلاش زیادی کرده یا کودکی که شعر را خوب می‌خواند؟ هدف از پرسیدن این سوال، اطلاع یافتن از تاکید کودکان بر تلاش یا تاکید آن‌ها بر نتیجه است.

در مرحله بعد، از تکنیک مشاهده استفاده می‌شود. دو ظرف کوچک یک بار مصرف به همراه سه عدد درازه در اختیار کودک قرار داده می‌شود و به او گفته می‌شود که این‌ها را برای خودش و دوستت در ظرف‌ها بریز و ببر. سپس از او پرسیده می‌شود کدام ظرف را برای خودش کدام را برای دوستش می‌خواهد؟ اگر ظرفی که محتوی تعداد بیشتری درازه است را برای دوستش انتخاب کرده باشد، تعداد درازه‌های همان ظرف را بیشتر می‌کنیم و بار دیگر از او می‌پرسیم که کدام را برای خودش می‌خواهد؟ این بخش از پژوهش دو هدف را دنبال می‌کند: یکی آنکه اثر نفع شخصی بر نحوه توزیع توسط کودک را بررسی می‌کند و دیگر آنکه عملکرد کودک با پاسخی که به پرسش در مورد اختصاص یک شکلات به خودش یا دوستش داده بود مقایسه می‌شود.

نقاشی‌ها روی برگه A4 کشیده شده‌اند و از پرینت رنگی اسکن شده آن‌ها در همان سایز در مصاحبه استفاده شده است.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل تفسیری استفاده شده است. مصاحبه‌های ضبط شده به دقت گوش داده شده‌اند تا اگر مطلب مهمی وجود دارد به یادداشت‌ها اضافه شود. متن مصاحبه‌ها مرور و کدها ایجاد شدند. کدهای استفاده شده در این پژوهش، توصیفی

می‌باشند. در مرحله بعد کدها دسته بندی و کدگذاری الگو (pattern coding) انجام شد و گزارش مصاحبه بر اساس آن تنظیم و در آخرین مرحله نتیجه گیری و جمع بندی بر اساس گزارش‌های ارائه شده ذیل هر کد، صورت گرفت.

### ۳. یافته‌ها

بر اساس متن پیاده شده مصاحبه‌ها، کدگذاری اولیه انجام و کدهای زیر استخراج شد: رفاقت، خانواده، نفع شخصی، شاد شدن، شاد بودن، فقر و برخورداری، تلاش، نتیجه، کار فکری، کار جسمی، بزرگتر یا کوچکتر بودن، زیبایی، نیاز به پوشاک، نیاز به غذا، نیاز به دوست، نیاز به اسباب بازی، مهربانی، انفاق، دلسوزی، تساوی، تمیزی و کثیفی، رنگ پوست، رنگ مو، پاداش، ایجاد انگیزه، جنسیت، تنبلی، خوب بودن، تامین کننده منبع، توانایی تامین، علت نیاز، علاقه دریافت کننده.

پس از کدگذاری اولیه، کدگذاری الگو انجام و کدها به صورت کدهای زیر دسته بندی شد: تساوی، ویژگی‌های دریافت کننده، کار انجام شده، نیاز، روابط، نفع شخصی و هدف.

### ۱.۳ تساوی

تاکید اولیه اغلب کودکان، در شرایط برابر و فراهم بودن منابع یا زوج بودن تعداد آن بر توزیع مساوی میان افراد بود؛ ۲۶ کودک هشت پسر و ۱۸ دختر) در پاسخ به این سوال که با داشتن دو درازه شکلاتی، آن‌ها را چگونه میان دو دختر یا دو پسر که در شکل ۱ و ۲ آمده‌اند توزیع می‌نمایند، تساوی را برگزیدند. در مواردی که تعداد منابع توزیع شدنی (درازه شکلاتی) فرد بود و از کودک خواسته می‌شد که آن‌ها را توزیع نماید، کودکان راه‌های مختلفی را در پیش می‌گرفتند: از سی کودک شرکت کننده در مصاحبه، تعداد ۱۵ کودک (۱۱ دختر و چهار پسر) به یک ویژگی درباقت کننده اشاره و بر اساس آن ویژگی تصمیم گیری کردند، هشت کودک پنج دختر و سه پسر) هیچ پاسخی ندادند و هفت کودک (چهار دختر و سه پسر) بر تساوی پافشاری نمودند و خواستار افزایش تعداد توزیع شدنی یا نصف نمودن یا کنار گذاشتن یک درازه باقی مانده یا دادن آن به شخص سومی شدند.

## ۲.۳ ویژگی‌های دریافت کنندگان

همان‌طور که در بحث از تساوی اشاره شد، در پاسخ به نحوه توزیع میان افراد، یکی از راه‌هایی که کودکان جهت پاسخ دهی، به آن روی می‌آوردند، اشاره به یک ویژگی فرد دریافت‌کننده و تصمیم‌گیری بر اساس آن ویژگی بود. ویژگی‌هایی که کودکان اشاره می‌نمودند، سه دسته ویژگی را در بر می‌گیرد: ویژگی‌های ظاهری افراد (بزرگتر یا کوچکتر بودن، رنگ پوست و رنگ مو، زیباتر بودن، تمیزی یا کثیفی)، ویژگی‌های غیر ظاهری (شاد بودن یا ناراحت بودن فرد، اذیت نکردن مادر، مهربان تر بودن و تنبلی نکردن، توانایی تامین منبع، علاقه مند بودن فرد دریافت‌کننده به توزیع شدنی یا عدم علاقه او) و جنسیت (در مواردی که توزیع شدنی، اختصاص به جنسیت خاصی نداشت و درازة شکلاتی بود و دریافت‌کنندگان دو کودک ترسیم شده در تصویر شماره ۳ بودند، شش کودک آن را به پسر اختصاص دادند که سه نفر از آن‌ها پسر و سه نفر دختر بودند. سه دختری که درازة را به پسر اختصاص دادند هر سه نفر این تصمیم را به ویژگی‌هایی به غیر از جنسیت ربط داده‌اند: مهربان‌تر بودن، پسر خوبی بودن و کوچکتر بودن. از سه پسری که درازة را به پسر اختصاص داده‌اند دو نفر دلیلی ذکر نکرده‌اند و یک نفر دیگر به کوچکتر بودن او اشاره کرده است. پنج پسر و ۱۵ دختر دیگر درازة را به دختر داده‌اند. از این پنج پسر دو نفر دلیلی نیاورده‌اند، یک نفر گفته است چون بزرگتر است، ا نفر گفته است چون دختر به پدرش کمک کرده است و یک نفر گفته است: "باید همیشه اول به دخترها بدهیم." دخترهایی که ترجیح داده‌اند درازة را به دختر، هفت نفر به دلیل اشاره نکرده‌اند، پنج نفر علت را دختر بودن او گفته‌اند و سه نفر به ویژگی‌ها اشاره کرده‌اند: قشنگ تر، تمیزتر و مثل آدم فضایی‌ها بودن. سه کودک بر تساوی پافشاری نموده‌اند و یکی از پسرها پاسخش را چند بار تغییر داد. با تغییر توزیع شدنی از درازة شکلاتی به عروسک، ماشین اسباب بازی و روسری، پاسخ‌های کودکان تغییراتی داشت. در مورد روسری همه دختران آن را به دختر داده‌اند. در مورد ماشین اسباب بازی بیشتر کودکان (۱۰ پسر و ۱۹ دختر) آن را به پسر داده و بیشتر کودکان هشت پسر و ۱۸ دختر) عروسک را به دختر داده‌اند. در حالی که تعداد عروسک یا تعداد ماشین اسباب بازی به دو افزایش می‌یافت، بیشتر کودکان (نهم پسر و ۱۸ دختر) توزیع مساوی را برمی‌گزیدند. یک پسر و دو دختر عروسک را مختص دختران و ماشین اسباب بازی را مختص پسران می‌دانستند).

### ۳.۳ کار انجام شده

در بررسی کار انجام شده کار فکری و کار جسمی و تلاش یا نتیجه بررسی شده است. کار فکری با استفاده از تصویر شماره ۴ از کودک خواسته می شد تعداد یکدو و سه و درازه شکلاتی و همین تعداد ستاره را بین آن دو تقسیم نماید. پاسخ کودکان زمانی که توزیع شدنی درازه شکلاتی بود با زمانی که برچسب ستاره ای بود تفاوتی نداشت. وقتی درازه یا یک برچسب ستاره ای به کودک داده می شد تا آن را توزیع نماید، تمام کودکان آن را به کودکی که مشغول حل مسئله است می دادند. با افزایش توزیع شدنی به دو عدد ۱۰ کودک دو دختر و هشت پسر) توزیع مساوی را انتخاب کردند و بقیه (۸ مسر و ۱۲ دختر) هر دو را به کسی که مشغول حل است دادند. با در اختیار داشتن سهدرازه شکلاتی یا سهدرازه، ۱۴ کودک پنج پسر و نه دختر) یکی را به کسی که حل نمی کند و دو تا را به کسی که مشغول حل کردن است دادند و ۱۶ کودک دیگر پنج پسر و ۱۱ دختر) هر سهرای به کسی که مشغول حل کردن است اختصاص دادند.

کار جسمی: جهت بررسی اثرگذاری کار جسمی بر تصمیم کودکان درباره نحوه توزیع، تصویر شماره ۵ به هر کودک نشان داده می شد. توزیع شدنی ها در این مرحله مانند توزیع شدنی ها در کار فکری بوده است و این یافته ها بدست آمده است: تفاوتی میان پاسخ کودک زمانی که توزیع شدنی درازه شکلاتی بود و زمانی که برچسب ستاره ای بود یافت نشد. همه کودکان با داشتن یکتوزیع شدنی آن را به کودکی که اتاقش را مرتب نموده اختصاص می دادند. با داشتن دوتوزیع شدنی شش نفر دو پسر و چهار دختر) مساوی و بقیه اختصاص هر دو به کودکی که اتاقش را مرتب نموده است برگزیدند. با داشتن ۳ توزیع شدنی ۱۹ نفر از کودکان (۵ پسر و ۱۴ دختر) هر سهرای به کودکی که کار مرتب کردن را انجام داده است و ۱۰ نفر از کودکان پنج پسر و پنج دختر)، دو تا را به کسی که مرتب کرده است و یکی را به دیگری دادند. یکی از کودکان زمانی که توزیع شدنی سه تا بود دو تا را بصورت مساوی تقسیم نمود و سومی را کنار گذاشت.

نتیجه یا تلاش: تاکید کودکان بر نتیجه به دست آمده است یا تلاش؟ برای دست یابی به پاسخ این پرسش داستانی درباره حفظ شعر که شرح آن در فصل سوم ذکر شد برای کودک بیان می شد. کودکان در پاسخ به این پرسش که به نظرت خانم مربی برای کدام کودک برچسب ستاره ای بزند: کودکی که شعر را خوب خوانده یا کودکی زیاد تمرین کرده است، پاسخ های زیر را ارائه دادند: ۱۷ کودک شش پسر و ۱۱ دختر) بر نتیجه و ۱۳ کودک دیگر بر

تلاش تاکید داشتند. با طرح همین پرسش برای کودکان ۵-۴ساله از ۱۵ کودک هشت پسر و هفت دختر، سه نفر دو پسر و یک دختر (جوابی نداده‌اند، هفت کودک سه پسر و چهار دختر) بر نتیجه تاکید و بقیه بر تلاش تاکید کرده‌اند.

### ۴.۳ نیاز

در بررسی اثرگذاری نیازمندی بر تصمیم کودکان درباره نحوه توزیع، از سه تصویر شماره ۶، ۷، ۸ استفاده شده است. در این تصاویر یک کودک با کفش‌های پاره، کودکی که غذا ندارد و کودکی که اسباب بازی ندارد مشاهده می‌شود.

کفش: در تصویر شماره ۶ که یک کودک با کفش‌های نو و کودکی با کفش‌های پاره دیده می‌شود، توزیع شدنی‌هایی که به کودک شرکت کننده در مصاحبه جهت توزیع ارائه شده است، یک کفش، دو کفش، اطرف غذا و یک اسباب بازی بوده است. در مورد یک کفش ۲۱ کودک هشت پسر و ۱۳ دختر آن را به کسی که کفش‌هایش پاره شده، اختصاص داده‌اند. علتی که کودکان مطرح کرده‌اند نیاز فرد و نیز ناراحتی او از نداشتن کفش‌های نو بوده است. هفت کودک دوپسر و پنج دختر (کفش را به کودکی داده‌اند که کفش‌های خودش نو بوده. علتی که این کودکان مطرح کرده‌اند این است که کودکی که کفش‌های نو دارد، خودش مراقب بوده تا کفش‌هایش پاره نشوند در مورد کودکی که کفشش پاره است، خود کودک را مقصر دانسته‌اند دو کودک نیز پاسخی نداده‌اند؛ سپس از کودک پرسیده شده است چنانچه دو جفت کفش در اختیار داشته باشیم آن‌ها را چگونه توزیع نماییم؟ ۱۵ کودک شش دختر و نه پسر) هر دو را به کودکی که کفش‌هایش پاره بوده اختصاص داده‌اند، دو دختر هر دو جفت را به کودکی که کفش‌های سالمی دارد داده‌اند و بر این نکته تاکید کرده‌اند که "از وسایلی که به خوبی مراقبت کرده". ۱۰ کودک یکپسر و نه دختر (کفش‌ها را به صورت مساوی بین دو نفر تقسیم کرده‌اند سه نفر از دختران نیز نظری در این باره نداشته‌اند. با تغییر توزیع شدنی از کفش به غذا، پاسخ‌های کودکان چنین بود: ۱۷ کودک (۱۲ دختر و پنج پسر) آن را به نیازمند و نه کودک شش دختر و سه پسر) آن را به کودکی که کفش نو دارد داده‌اند، یک پسر و دو دختر نظری نداشته‌اند و یک پسر بر تساوی تاکید کرده است. بار دیگر توزیع شدنی تغییر کرد و نظر کودک درباره توزیع اسباب بازی پرسیده شد؛ ۱۹ کودک (۱۴ دختر و پنج پسر) آن را به نیازمند و هفت نفر پنج دختر و

دوپسر) آن را به دیگری داده‌اند. دو دختر و یک پسر نظری نداشته‌اند و یک پسر هم بر بازی با هم تاکید کرده است.

غذا: تصویر شماره هفت دو دختر را نشان می‌دهد که یکی غذا ندارد و دیگری دارد. در توزیع اطرف غذا بین دو کودک، یککودک به نصف کردن آن اشاره کرد و ۲۸ کودک (۱۰ پسر و ۱۸ دختر) آن را به کودکی که غذا ندارد اختصاص دادند. یککودک نیز غذا را به هیچ کدام از آن دو کودک نداد و گفت: "کودکی که غذا ندارد، پدر و مادرش باید به او غذا بدهند". در توزیع اسباب بازی بین دو کودک همین تصویر، ۲۴ نفر (۱۷ دختر و هفت پسر) آن را به کودکی که غذا ندارد و چهار نفر دو دختر و دو پسر) آن را به دیگری دادند. اپسر نظری نداشت و ادختر با هم بازی کردن را بیان نمود. پرسش دیگری که از کودکان پرسیده شد این بود که آیا کودکی که غذا دارد باید به کودک دیگر هم بدهد؟ ۲۹ کودک گفته‌اند از غذای خودش به دیگری هم بدهد و یکی از پسرها نظرش این بوده است که نباید از غذای خودش به دیگری بدهد و باید غذایش را خودش بخورد. از کودکان پرسیده شد: کدام بهتر است؟ اینکه ما ظرف غذای دیگری به کودکی که ندارد بدهیم یا اینکه کودکی که غذا دارد از غذای خودش به کودک دیگر بدهد؟ ۱۵ نفر (۱۰ دختر و پنج پسر) نظرشان این بود که بهتر است از غذای خودش بدهد؛ ۴ کودک نه دختر و پنج پسر) ترجیحشان این بوده است که غذای دیگری به کودک بدهیم. دختری که در توزیع یک غذا گفته بود پدر و مادرش باید به او غذا بدهند، نظرش این بود که کودکی که غذا دارد باید به دیگری هم بدهد اما در انتخاب بین این دو مورد، باز هم بر اینکه پدر و مادرش باید به او غذا بدهند تاکید داشت.

اسباب بازی: در تصویر شماره ۸ دو دختر دیده می‌شوند که یکی سه عروسک دارد و دیگری عروسکی ندارد. اگر توزیع شدنی یک عروسک باشد ۲۹ نفر (۹ دختر و ۱۰ پسر) آن را به کودکی که عروسکی ندارد می‌دادند و فقط یک دختر گفت آن را به کسی که خودش عروسک دارد می‌دهد. با افزایش تعداد توزیع شدنی به دو عروسک، شش کودک چهار دختر و دو پسر) توزیع مساوی را برگزیده‌اند و بقیه اختصاص هر دو به کودکی که عروسک ندارد را انتخاب کردند. توزیع سه عروسک از کودکانی پرسیده شد که در مرحله قبل هر دو را به کودکی که عروسک ندارد داده بودند. از میان آن ۲۴ کودک یک دختر به توزیع مساوی میان دو نفر اصرار داشت، ۵ نفر سه دختر و دو پسر) دادن دو عروسک به کودکی که عروسک ندارد و یک عروسک به دیگری را انتخاب و بقیه (۱۲ دختر و ۶ پسر) اختصاص هر سه عروسک به دختری که عروسک نداشت را بیان کردند. از ۱۸ نفری که هر

سهرها به کودکی که عروسکی نداشت داده بودند، پرسیده شد با داشتن عروسک چه تصمیمی برای توزیع می‌گیری؟ از میان ۱۲ دختر، شش دختر بصورت سه بعلاوه یک و یعنی دادن سه عروسک به کسی که ندارد و یکی به دیگری و شش کودک دادن هر ۴ تایی آن را به کسی که عروسکی ندارد را انتخاب کردند و از ۱۰ پسر، پنج نفر سه بعلاوه یک و یک نفر دادن همه عروسک‌ها به کسی که ندارد را برگزیدند. همچنین از کودکان در مورد اینکه آیا کودکی که سه عروسک دارد باید به دیگری بدهد یا نه نیز سوال شد. ۲۹ نفر نظرشان این بود که باید از عروسک‌هایش به دیگری هم بدهد؛ اما یک دختر نظرش این بود که نباید به دیگری بدهد و باید برای خودش باشد و خودش بازی کند. از میان کسانی که گفته بودند از عروسک‌هایش به دیگری هم بدهد ۱۶ دختر و هشت پسر نظرشان این بود که یکی را به کسی که ندارد بدهد و دوتا برای خودش بماند. یک دختر و یک پسر نظرشان این بود که دو تا را به کسی که ندارد بدهد و یکی برای خودش بماند. دختر و پسر نیز بر تساوی تاکید داشتند؛ لذا این دو نفر و یکی دیگر از دختران در مورد نحوه تقسیم، نظری به صورت بیان عددی نداشتند. هدف از افزایش تعداد عروسک‌های توزیع شدنی این بوده است که محقق دریابد که کودکان تخصیص به نیازمند را تا چه حدی ادامه می‌دهند؟ آیا تا رسیدن به تساوی ادامه می‌دهند یا خیر؟ آیا با رسیدن به تساوی تخصیص منابع به نیازمند را متوقف می‌کنند؟ در پاسخ به این پرسش که بهتر است از عروسک‌هایش به دیگری بدهد یا اینکه ما عروسکی به کودکی که ندارد بدهیم، از میان ۲۹ نفری که گفته بودند از عروسک‌هایش به دیگری بدهد ۱۲ دختر و هشت پسر گفته‌اند بهتر است از عروسک‌هایش به دیگری بدهد و هفت دختر و دو پسر گفته‌اند بهتر است ما عروسکی به کسی که ندارد بدهیم. به جز همان یک نفر که گفته بود از عروسک‌هایش به دیگری ندهد، بقیه کودکان در مورد توزیع یک غذا نظرشان این بوده است که آن را به کودکی که عروسک ندارد بدهیم.

سایر نیازها: کودکان ضمن پاسخگویی به سوالات در مواردی به نیازهای دیگری نیز اشاره می‌نمودند. یکی از این نیازها، نیاز به شادی بود. یکی از استدلال‌هایی که برخی از کودکان در تخصیص منابع ارائه می‌نمودند، ناراحتی و غمگینی بود. در پاسخگویی به سوال در مورد تصاویر شماره ۹ و ۱۰ نیز کودکان به نیاز به داشتن دوست اشاره می‌کردند. در این دو تصویر در پاسخ به این پرسش که اگر یکی از دو نفری که با هم هستند شکلاتی داشته باشد آن را به چه کسی بدهد، ۲۰ کودک نظرشان این بوده است که آن را به کودکی که با آن‌ها نیست بدهد و از جملاتی مانند "تا با هم دوست شوند"، "دوستی ندارد" و

"خوشحال می‌شود" استیاده نموده‌اند. ۱۰ نفر (هشت دختر و دو پسر) دیگر روابط را مدنظر قرار داده‌اند که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

### ۵.۳ روابط

از کودک پرسیده شد اگر یکشکلات داشته باشی آن را به دوست می‌دهی یا به دیگری؟ همه کودکان پاسخشان این بود که آن را به دوستم می‌دهم. در تصویر شماره ۹ و ۱۰ همانطور که در بند قبل توضیح داده شد ۱۰ نفر ترجیح دوست بر دیگری را مدنظر قرار دادند. سپس از کودک پرسیده شد اگر یک شکلات داشته باشی آن را به دوست می‌دهی یا به برادر/خواهرت؟ ۹ نفر پنج دختر و چهار پسر) گفته‌اند آن را به دوست می‌دهند و ۲۱ نفر دیگر گفته‌اند آن را به خواهر/برادرشان می‌دهند.

### ۶.۳ نفع شخصی

جهت بررسی اثرگذاری نفع شخصی بر تصمیم کودکان، از کودک پرسیده شده است اگر یک شکلات در اختیار داشته باشی آن را خودت می‌خوری یا به دوست می‌دهی؟ آن را خودت می‌خوری یا به خواهر/برادرت می‌دهی؟ در پرسش اول ۸۷ درصد از کودکان (۱۷ دختر و ۹ پسر) گفته‌اند آن را به دوست می‌دهند، ۱ نفر (۱ پسر و ۳ دختر) گفته‌اند آن را خودشان می‌خورند. در پرسش دوم ۳ نفر (۲ دختر و ۱ پسر) آن را به خودشان اختصاص داده‌اند و ۲۶ نفر (۱۷ دختر و ۹ پسر) گفته‌اند آن را به خواهر/برادرشان می‌دهند. ۱ نفر از دختران گفته است گاهی وقت‌ها وقتی اشکلات دارم آن را خودم می‌خورم و گاهی وقت‌ها آن را به برادر/خواهرم می‌دهم. این دیدگاه نظری کودکان بود که در بخش دیگری از پژوهش به صورت مشاهده‌ای مورد بررسی قرار گرفت. این مشاهده جهت مقایسه با دیدگاه نظری و در مورد تقسیم بین خود و دوست صورت گرفته است. از میان کودکان تنها ۳۳ درصد آن‌ها دوست را در این بخش بر خود ترجیح دادند و بقیه ۲ شکلات را به خود اختصاص دادند.



### ۷.۳ اهداف

کودکان در استدلال‌های خود در پرسش‌های مختلف به اهدافی اشاره می‌نمودند که قابل توجه می‌باشد: رفع نیاز، گسترش دوستی، ایجاد انگیزه و پاداش دهی.

### ۸.۳ اولویت بندی

با بیان داستان کودکانی که قرار بود کلاسشان را مرتب نمایند که در بخش ۲ بیان شد، ظرفی محتوی درازه شکلاتی به کودک نشان داده می‌شود و از او پرسیده می‌شود معلم باید به کدام کودک درازه بیشتری بدهد؟ از میان نیازمندی (نداشتن خوراکی)، کمک بیشتری نمودن در مرتب کردن، بزرگتر بودن و مطالبه مقدار بیشتری از درازه‌ها، اولویت بندی کودکان به این صورت بوده است: ۴ کودک (۸ دختر و ۶ پسر) اولویت اول را کار بیشتر اعلام کرده‌اند و ۱۰ کودک (۷ دختر و ۳ پسر) نیازمندی را اولین اولویت دانسته‌اند. ۳ دختر مطالبه را او مین اولویت قرار داده‌اند و ۲ دختر و ۱ پسر بزرگتر بودن را اولویت اول اعلام کرده‌اند. دومین اولویت در تخصیص منابع را ۱۳ نفر (۶ دختر و ۷ پسر) نیازمندی، ۱۲ نفر (۹ دختر و ۳ پسر) کار بیشتر و ۲ دختر مطالبه و ۳ دختر بزرگتر بودن اعلام کرده‌اند. اولویت سوم کودکان چنین بوده است: ۵ دختر نیازمندی، ۴ کودک (۳ دختر و ۱ پسر) کار بیشتر، ۴ نفر (۲ دختر و ۲ پسر) مطالبه و ۱۷ نفر (۱۰ دختر و ۷ پسر) بزرگتر بودن. اولویت چهارم ۱۲ نفر (۱۳ دختر و ۸ پسر) مطالبه، ۸ نفر (۶ دختر و ۲ پسر) بزرگتر بودن بوده است. هیچ یک از کودکان کار بیشتر را اولویت آخر قرار نداده‌اند.

### ۴. نتیجه گیری

با استفاده از ابزار ساخته و معرفی شده در این پژوهش می‌توان به درکی از دیدگاه کودکان در زمینه عدالت توزیعی دست یافت. هرچند دیدگاه و شناخت کودکان پیش دبستانی در باره عدالت توزیعی یکسان نیست و در عملکرد نیز تفاوت‌هایی با هم دارند، لیکن تاکید اولیه کودکان بر توزیع منابع بصورت تساوی می‌باشد و تصمیمی که هر کودک در هر یک از شرایط مطرح شده در مصاحبه درباره نحوه توزیع اتخاذ می‌نماید نتیجه براینده عوامل مختلفی از جمله آموزش، نفع شخصی و ملاک‌ها می‌باشد. ملاک‌های اثرگذار بر تصمیم کودک عبارتند از نیازمندی‌ها، ویژگی‌های دریافت کنندگان، روابط و کار انجام شده توسط

دریافت کنندگان. تغییر نوع توزیع شدنی در پرسش‌های مرتبط با نیازمندی نشان دهنده این بود که عموماً کودکان تفکیک نیازها از یکدیگر را لحاظ نمی‌نمایند و توجه به نیاز فرد بصورت مطلق بود. اما در مواردی که دریافت کنندگان از دو جنس (دختر و پسر) باشند تغییر نوع توزیع شدنی نیز بر تصمیم کودک اثرگذار است و کودک به اختصاص برخی توزیع شدنی‌ها به یک جنس توجه می‌نمود. همچنین کودکان در نحوه توزیع اهداف مختلفی از جمله گسترش شادی، گسترش دوستی، رفع نیاز افراد، ایجاد انگیزه و پاداش دهی را دنبال می‌کنند دلسوزی عامل اثرگذار دیگر بر تصمیم برخی کودکان است. نحوه اثرگذاری هر یک از این موارد بر تصمیم کودک، از کودکی به کودک دیگر متفاوت است و نفع شخصی بر عملکرد کودک نسبت به دیدگاه نظری او تأثیر چشمگیرتری دارد. دیدگاه نظری کودک و عملکرد کودک می‌تواند کاملاً منطبق بر هم یا کاملاً متفاوت از هم باشد یا در برخی موارد یکسان و در مواردی متفاوت باشد. نفع شخصی بر میزان این هم پوشانی اثر زیادی دارد به گونه‌ای که هرچه نفع شخصی بیشتری به صورت دریافت مقدار بیشتر مطرح باشد فاصله دیدگاه نظری و عملکرد کودک نیز بیشتر می‌شود. در اولویت بندی کودکان درباره میزان دریافت، بیشتر کودکان نیاز و کار بیشتر را در اولویت قرار می‌دهند و به بزرگتر بودن و مطالبه بیشتر اهمیت کمتری می‌دهند. برخی کودکان دارایی هر کس را متعلق به خود او می‌دانند اما بیشتر کودکان بازتوزیع از طریق انفاق در جهت برقراری تساوی میان افراد را می‌پذیرند.



شکل ۲. دو دختر شبیه هم

شکل ۱. دو پسر شبیه هم



شکل ۳. یک دختر و یک پسر (جنسیت)      شکل ۴. کار فکری



شکل ۵. کار جسمی      شکل ۶. نیازمندی (کفش)



شکل ۷. نیازمندی (غذا)      شکل ۸. نیازمندی (اسباب بازی)



شکل ۹. روابط (استفاده شده برای دختران)      شکل ۱۰. روابط (استفاده شده برای پسران)



شکل ۱۱. بررسی اولویت بندی ملاک ها ۱      شکل ۱۲. بررسی اولویت بندی ملاک ها ۲

## کتابنامه

دلاور، علی. (۱۳۹۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ تهران؛ انتشارات رشد. قلیچ، وهاب. (۱۳۸۹). معیارهای عدالت توزیعی مقایسه تطبیقی دیدگاه های جانر اولز و شهید مطهری؛ مطالعات اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۵)؛ صفحه

۱۴۵-۱۶۳

منادی، مرتضی. (۱۳۸۵). روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری؛ فصلنامه حوزه و دانشگاه؛ سال ۱۲؛ شماره ۴۷؛ صفحه ۹۳-۸

Bloom, Paul. (2013). Just babies the origins of good and evil, Crown, US, pages 59-100

Frederckson, Norah; Simmonds, Elkzabeth. (2008). Special Needs, Relationship Type and Distributive Justice Norms in Early and Later Years of Middle Childhood, Social Development, Volume 17, Issue 4, pages 1056-1073

Hus, M; Anen, C; Quartz, S.R. (2008). The right and the good: distributive justice and neural encoding of equity and efficiency; Science, 320, 1092-1095

Jing Lu, Hui; Chang, Lie. (2016). Resource allocation to kin, friends, and strangers by 3- to 6-year-old children, Journal of Experimental Child Psychology, Volume 150, Pages 194-206

Kaufman, Alexander. (2012). Theories of distributive justice, Encyclopedia of Applied Ethics, second edition, Pages 842-850

Komow, James. (2001). Fair and square: the four sides of distributive justice, Journal of Economic Behavior & Organization, Volume 46, Issue 2, pages 137-164

Lerner, Melvin J.; Lerner, Sally C. (1981). The justice motive in social behavior; published by spring-verlag, US; pages 57-72

Rakoczy, Hannes; Lohse, Karoline. (2016). Young children understand the normative force of standards of equal resource distribution, Journal of Experimental Child Psychology, Volume 150, Pages 396-403

Schmid, Marco F.H.; Tomasello, Michael. (2016). Children's developing understanding of legitimate reasons for allocating resources unequally, Cognitive Development, Volume 37, Pages 42-52

Sen, Amartya. (2008). The idea of justice, Journal of human development, volume 9, pages 331-342

Sigelman, Karol A.; Waitzman, Carol K. (1991). The Development of Distributive Justice Orientations: Contextual Influences on Children's Resource Allocations, Child Development, Volume 62, Issue 6, pages 1367-1378

Wang, Ying; Henderson, Annette M.E. (2018). Just rewards: 17-Month-old infants expect agents to take resources according to the principles of distributive justice, Journal of Experimental Child Psychology, Volume 172, Pages 25-40

شناخت‌شناسی کودکان پیش دبستانی درباره عدالت توزیعی ۷۸

Williams, Amanda; Moore, Chris. (2016). A longitudinal exploration of advantageous and disadvantageous inequality aversion in children, Journal of Experimental Child Psychology, Volume 152, December 2016, Pages 294-306

Young, Jee; Killen, Melanie. (2019). Effort or outcome? Children's meritorious decisions, Journal of Experimental Child Psychology, Volume 178, February, Pages 1-14

